

چگونگی زمینه‌سازی غیبت در مکاتبات امام حسن عسکری علیه السلام

محمد عترت دوست^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل تاریخ اسلام، بررسی اقدامات زمینه‌ساز ائمه اطهار علیهم السلام برای آگاهی مردم از غیبت حضرت مهدی علیه السلام و پذیرش این مسئله است. بدیهی است که ائمه سامرا به‌ویژه امام حسن عسکری علیه السلام در خصوص این مسئله، نقش به‌سزایی داشته و تحلیل اقدامات ایشان براساس نصوصی که از آن حضرت باقی مانده است، اقدامی مهم و شایسته است. مسئله اصلی این پژوهش آن است که امام حسن عسکری علیه السلام برای تبیین مسئله غیبت و زمینه‌سازی آن در جامعه اسلامی از چه روش‌هایی استفاده کرده و چه نوع اقداماتی انجام داده‌اند. به همین منظور در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا به عنوان یکی از بهترین روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای برای متن پژوهی، به تحلیل روایات و مکاتبات باقی مانده از آن حضرت پرداخته و تلاش شده است تا به واسطه تجزیه و تحلیل کمی و کیفی و توصیفی این متون، ابتدا به درکی جامع از ساختار آنها دست یافته و در نهایت کارکرد این متون برای تبیین مسئله غیبت حضرت مهدی علیه السلام و زمینه‌سازی آن را کشف و تبیین نمائیم. آنچه ضرورت این‌گونه پژوهش‌ها را نشان می‌دهد، توجه به نقش تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام در جامعه اسلامی و اهمیت متن پژوهی احادیث به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع دینی جهت شناخت ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی حوادث تاریخی است.

واژگان کلیدی

امام حسن عسکری علیه السلام، امام مهدی علیه السلام، غیبت، مکاتبات ائمه اطهار علیهم السلام، روش تحلیل محتوا.

مقدمه

امام حسن عسکری علیه السلام (۲۳۲ق-۲۶۰ق) یازدهمین امام معصوم و پسر حضرت مهدی علیه السلام یعنی آخرین امام شیعیان است. ویژگی‌ها و صفات ایشان، همانند پدران بزرگوارشان بود که قله‌های شرف و فضیلت را پیموده و بر بلندای کمال و عظمت می‌درخشیدند. آن حضرت به اعتراف همه منابع تاریخی و مورخان و هم‌عصرانش، در کثرت دانش و معارف عقلی و نقلی، یگانه عصر بود (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۱۳؛ طبرسی،

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

۱. استادیار گروه الهیات و معارف دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، ایران (Etratdoost@sru.ac.ir).

۱۳۹۰ق: ۳۷۲؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۴۲۰).

یکی از مهم‌ترین اقدامات آن حضرت در دوران کوتاه امامت‌شان، تلاش برای زمینه‌سازی مسئله غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و آماده کردن مردم و جامعه اسلامی برای پذیرش این امر مهم بوده است. البته لازم به ذکر است که تلاش برای تبیین مسئله غیبت امام دوازدهم، از زمان رسول الله صلی الله علیه و آله آغاز شده بود و آن حضرت در احادیث بسیاری به این موضوع اشاره داشتند. به عنوان نمونه رسول الله صلی الله علیه و آله در روایتی خطاب به عمار یاسر می‌فرماید:

يَا عَمَارُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَهْدَ إِلَى أَنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةَ وَالتَّاسِعَ مِنْ
وُلْدِهِ يَغِيْبُ عَنْهُمْ وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ
مَعِينٍ يَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ طَوِيلَةٌ يَرْجِعُ عَنْهَا قَوْمٌ وَيُبْتِئُ عَلَيْهِمُ آخِرُونَ. (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق:

۱۱۲۱)

مشابه این روایت از عایشه نیز نقل شده است:

... وَ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ لِسَانَ الصِّدْقِ وَ مُظْهِرَ الْحَقِّ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى بَرِيَّتِهِ لَهُ
غَيْبَةٌ طَوِيلَةٌ ... (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۱۸۹)

با این وجود باید گفت که مهم‌ترین این تلاش‌ها در دوره امامت امام حسن عسکری علیه السلام واقع شده است. از آن جا که تبیین چگونگی اقدامات و استخراج روش‌های آن حضرت به منظور الگوگیری و استفاده امروزی در جامعه اسلامی یک مسئله بسیار مهم و ضروری برای شیعیان دوازده امامی است، لذا در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا با نگاهی کلی به منطق حاکم بر روایات و مکاتبات امام حسن عسکری علیه السلام که با شیعیان و حتی مخالفان دین صورت گرفته، روش‌های ایشان برای زمینه‌سازی مسئله غیبت را استخراج کرده و در نهایت مهم‌ترین مؤلفه‌های مطرح شده از سوی ایشان در مجموعه روایات را به دست آوریم.

جامعه آماری این تحقیق، مجموعه مکاتبات و نامه‌های آن امام همام است که در جلد سوم کتاب *موسوعة الامام العسکری* علیه السلام جمع‌آوری شده است. (خزعلی، ۱۴۲۶ق: ۳۴۷-۴۶۴). تعداد این نامه‌ها، ۱۶۰ مورد بوده که عمدتاً در منابعی ذکر شده‌اند که از اعتبار و وثاقت قابل ملاحظه‌ای در میان علمای شیعه برخوردار بوده و پس از تصحیح و اعتبارسنجی، به جامعه علمی عرضه شده است. برخی از منابع اصلی ناقل این روایات و مکاتبات که در کتاب مورد نظر استفاده شده‌اند، عبارتند از: *اصول کافی* (کلینی، ۳۲۹ق)، *رجال کشی* (محمدبن عمر کشی، ۳۵۰ق)، *من لا یحضر الفقیه*، *معانی الاخبار* و *کمال الدین* (ابن بابویه، ۳۸۱ق)، *تهذیب الاحکام* و *الاستبصار* (محمدبن حسن طوسی، ۴۶۰ق). البته لازم به ذکر است که پاره‌ای از نامه‌ها در کتاب‌هایی یافت گردید که اگرچه به لحاظ قدمت، در ردیف متقدم‌ترین کتب روایی شیعه قرار

می‌گیرند؛ اما به لحاظ اعتبار در درجه کتب نامبرده نمی‌باشند. این منابع که مستند تعداد قابل توجهی از نامه‌ها به شمار می‌روند عبارتند از: *دلائل الامامه* (محمد بن جریر طبری، ۳۱۰)، *الهدایة الکبری* (حسین بن حمدان الخصیبی، ۳۳۴ق)، *اثبات الوصیة* (ابوالحسن مسعودی؛ ۳۴۶ق)، *کتاب الغیبة* (محمد بن ابراهیم نعمانی، ۳۶۰ق)، *تحف العقول* (حسن بن شعبه حرانی، ۴۱۳ق)، *مکارم الاخلاق* (حسن بن فضل طبرسی، ۵۴۸ق)، *الخرائج والجرائح* (قطب الدین راوندی، ۵۷۳ق)، *المنقب* (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۵۸۸ق)، *اقبال الاعمال*، *مهج الدعوات*، *جمال الاسبوع* و *فرج المهموم* (سید بن طاووس، ۶۶۴ق) و *کشف الغمہ* (علی بن عیسی اربلی، ۶۹۳ق).

از آن جا که مسئله اعتبارسنجی روایات به منظور استخراج الگوها، یکی از مسائل اساسی و مهم هر پژوهش علمی است، لذا در این تحقیق از روش «تحلیل محتوا» استفاده شد تا به واسطه استخراج دقیق موضوعات اصلی و فرعی هر نامه، مضمون کلی آن نیز شناسایی شده و در نهایت به واسطه مقوله بندی و طبقه بندی مضامین، ساختار کلی حاکم بر مجموعه مکاتبات را احصاء نمود. بر این اساس می‌توان به اعتبارسنجی محتوایی متون نیز پرداخته و متون ضعیف و حوای مضامین شاذ و نادر را از متون قوی حاوی مضامین اصیل و معتبر، بازشناسی نمود. به همین منظور ابتدا به توضیح روش تحقیق این مقاله خواهیم پرداخت.

روش تحقیق

همان گونه که اشاره شد، در این پژوهش به منظور شناسایی دقیق موضوعات اصلی و فرعی مکاتبات و استخراج ساختار حاکم بر آنها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. روش «تحلیل محتوا»^۱ که روشی علمی برای تفسیر «متن»^۲ است، از جمله روش‌های تحقیق میان رشته‌ای است که در حوزه علوم انسانی و به خصوص در رابطه با زیررشته‌های علوم سیاسی و علوم اجتماعی کاربرد داشته و به علت این که نتایج به دست آمده از طریق اجرای این روش، دارای اعتبار و روایی بالایی می‌باشند، بسیار مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است. لورنس باردن در کتاب خود با عنوان *تحلیل محتوا* اشاره می‌کند:

تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای يك متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند. (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹)

1. Content Analysis
2. Text

در حقیقت تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی‌رود. پیام‌هایی که توسط متن منتقل می‌شود می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها کاملاً نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کنند. لاسول، عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سؤال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱: ۲۲۲)

از آن‌جا که محقق در پژوهش‌های متعددی از این روش جهت تحلیل نصوص دینی استفاده کرده است (عترت دوست، ۱۳۹۸ش: ۲۹۱-۳۲۰) لذا در رابطه با فن انتخاب شده برای تحلیل محتوای مکاتبات امام حسن عسکری علیه السلام در مقاله حاضر از فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جملات و به صورت کمی و کیفی و با تأکید بر کلید واژگان اصلی و فرعی استفاده شده است. مضامین، مفاهیم، نقاط تمرکز و جهت‌گیری هر کدام از عبارات هر نامه نیز بر این اساس استخراج و در جداول تحلیل محتوا تنظیم شده است. به عبارت دیگر ابتدا با نگاه به واژگان کلیدی هر نامه، مفاهیم اولیه تشکیل‌دهنده مضامین و نقاط تمرکز استخراج شده است که بیانگر کلیت فضای حاکم بر هر نامه است. در مرحله دوم با درج عبارات نامه‌ها در جداول تحلیل محتوا، به استخراج جهت‌گیری‌ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات تقطیع شده پرداخته‌ایم و پس از جمع‌آوری کلیه مکاتبات امام عسکری علیه السلام و اعتبار سنجی آنها، فرایند تحلیل محتوای مکاتبات امام و تبدیل جملات به گزاره‌ها و مضامین و استخراج موضوعات اصلی و فرعی هر نامه انجام شده است.

منظور از محتوا در این روش علمی، متون سازمان‌یافته و اندوخته شده مربوط به یک موضوع واحد است که گروهی از حقایق، مفاهیم، تعمیم‌ها، اصول و نظریه‌های مشابه را شامل می‌شود. (چوبینه، ۱۳۸۰: ۶۷) در این تحقیق، «محتوا» به معنای متنی است منقول از امام حسن عسکری علیه السلام که در منابع تاریخی نقل شده و در حال حاضر محور مطالعه پژوهشگر می‌باشد. اصطلاح «موضوع اصلی» نیز عنوانی کلیدی و کلی است که بیانگر مقصود اصلی هر نامه می‌باشد. این موضوع کلی بوده و چارچوب اصلی متن را تشکیل می‌دهد و با نگاهی اجمالی به فهرست آنها و بررسی میزان فراوانی هر کدام می‌توان به سهولت تشخیص داد که

متن مورد مطالعه در چه حوزه‌ای بوده و در رابطه با چه مواردی سخن گفته است. اصطلاح «موضوع فرعی» نیز عنوانی کلی است که هرکدام از موضوعات مطرح شده در متن را شامل می‌شود. به عبارت دیگر به جهت سهولت بررسی هر متن، موضوعات استخراج شده در مرحله اول، در قالب عناوینی جزئی‌تر درج می‌شوند که به آن‌ها عنوان، موضوعات فرعی گویند. این موضوعات که توسط تحلیل‌گر استخراج شده‌اند، لایه‌های درونی متن را آشکار می‌سازند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

توجه به پاره‌ای از شاخصه‌های عمومی و کلی عصر امام حسن عسکری علیه السلام، ارزش و اهمیت پرداختن به مکاتبات ایشان را روشن می‌سازد. از جمله مهم‌ترین این مسائل، دوری مسافت میان مناطق شیعه‌نشین و محل زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام و عدم امکان سفر برای همه شیعیان جهت ملاقات با ایشان است که ارتباط از طریق مکاتبات را قابل درک و تبیین و حتی ضروری می‌نمایاند. (کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۰۹؛ جباری، ۱۳۸۲ش: ۴۸) عامل مهم دیگر برای بسط و استمرار جریان مکاتبات، شرایط خاص سیاسی و اجتماعی حاکم بر عصر امام در دوره بنی عباس است. مهم‌ترین شاخصه‌های کلی و رایج این عصر، جور و ظلم نسبت به مردم به خصوص علویان و نیز آشفتگی در وضع سیاسی حکومت بود. در این شرایط خفقان که شیعیان از ارتباط با امامان و حتی سلام کردن به آنان محروم بودند (قرشی، ۱۳۷۵ش: ۲۰۸-۲۱۰)، هرگونه ارتباط مستقیم و مشافهه‌ای امام با شیعیان خطرآفرین و غیرممکن بود. مؤید این مطلب مجموعه فعالیت‌های مخفیانه امام و شیعیان برای برقراری ارتباطات حضوری می‌باشد. (جباری، ۱۳۸۲ش: ۴۹-۴۸) به عنوان نمونه عثمان بن سعید به عنوان یکی از شیعیان خاص، در پوشش شخص روغن فروش با امام ملاقات می‌نمود. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۴)

علاوه بر این، فشار بر شیعیان در شهرهای مختلف بیداد می‌کرد. شهر قم که مأمن شیعیان بود، روی سختگیری و ستم فراوانی به خود دید. چهره‌های سرشناسی از شهر قم از ظلم و ستم والی شهر به امام شکایت نموده و امام، دعای مفصلی را برای رهایی از شر طاغوت‌ها به آنان آموخت. مضامین این دعا به خوبی شرایط نابه‌سامان عصر را به تصویر می‌کشد. (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۶۳) بر این اساس، ارتباط مکاتبه‌ای بهترین راه ممکن برای انتقال فرامین و دستورالعمل‌ها به نظر می‌رسید، تا علاوه بر حفظ جان امام و شیعیان، موجبات کاهش حساسیت خلفای عباسی نسبت به ایشان فراهم آید. البته در این وضعیت خفقان، حتی ارسال

نامه‌ها نیز با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود، به گونه‌ای که گاه نامه‌ها در پوشش‌هایی و به صورت پنهانی برای مخاطبان خود ارسال می‌گردید. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۷)

سومین عامل مهمی که در تحلیل و تعلیل رفتار امام حسن عسکری علیه السلام و ارتباط غیرمستقیم و مکاتبه‌ای ایشان با شیعیان باید مورد توجه قرار گیرد، وظیفه ایشان در آماده‌سازی شیعیان نسبت به شرایط عصر غیبت می‌باشد. یکی از مشخصات بارز عصر غیبت آن بود که شیعیان برای طرح مشکلات خود می‌بایست آنها را به صورت مکتوب به وکلای امام عصر علیه السلام تحویل می‌دادند و سپس پاسخ را در قالب توقیعات دریافت می‌نمودند. این برنامه هرچند در عصر سائر ائمه علیهم السلام نیز انجام می‌شد، ولی در عصر امام حسن عسکری علیه السلام که شیعیان در آستانه ورود به عصر غیبت قرار داشتند، تشدید گردید. (جباری، ۱۳۸۲ش: ۵۳)

برای نمونه، می‌توان به جریان تظلم و دادخواهی سیف بن لیث اشاره کرد که با وجود زندگی در سامراء، مطلب را به صورت کتبی به امام عسکری علیه السلام رساند. (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۵۱۱)

این رویه از سوی امام چنان شایع شده بود که شیعیان این نکته را مفروض می‌دانستند که برقراری ارتباط با امام، جز از طریق مراسله و مکاتبه صورت نمی‌پذیرد. (صدر، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۲۲۳)

احمد بن اسحاق نیز به دلیل همین کثرت توقیعات است که جهت تأیید مکتوبات و کسب یقین، از امام درخواست دست خط می‌کند. (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۵۱۳)

این سیره رفتاری در تعاملات امام، با هدف پی‌ریزی شالوده رهبری شیعه در دوران غیبت صغری شکل گرفته بود. بر این اساس، امام حسن عسکری علیه السلام که بهترین راه ارتباطی خود را با شیعیان از طریق وکلا و نامه‌نگاری می‌دانست، تا آخرین لحظات عمر شریف خود مکاتبات خود با شیعیان را ادامه داد، به طوریکه در شب شهادت خود، به دور از چشم مأموران حکومت، نامه‌های بسیاری به نقاط مختلف شیعه‌نشین ارسال نمود. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۷۳)

از همین رهگذر، ارزش این مکتوبات و اهمیت پرداختن به آنها و تحلیل محتوای انعکاس یافته در آن به خوبی روشن می‌گردد. البته در این میان نباید از توجه خاص به کتابت و مکاتبه در فضای فرهنگی عصر امام حسن عسکری علیه السلام نیز غافل شد. کتابت و نامه‌نگاری در این دوران، امری رایج و عمومی بوده است، به گونه‌ای که بر اساس منابع تاریخی، حضور بیش از صد و زانی در نزدیکی سامراء گزارش شده است. (امین، ۲۰۱۰م: ج ۲، ۲۴)

با مروری بر نتایج تحلیل محتوای مکاتبات آن حضرت، همسویی محتوای کلی آنها به وضوح مشاهده شد و لذا با حکم به اعتبار آنها، در تحلیل کمی و کیفی مورد استفاده قرار گرفتند.

تحلیل محتوای کمی مکاتبات امام حسن عسکری علیه السلام

منظور از تحلیل‌های کمی، بررسی فراوانی مضامین و موضوعات اصلی و فرعی مطرح شده در متن می‌باشد که محقق را با ساختار عناصر و مؤلفه‌های به کار رفته در آن بیشتر آشنا می‌سازد. تحلیل‌های کمی راه ورود برای تحلیل‌های کیفی را هموار می‌کنند و در اصل نشان می‌دهند که محقق بر اساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی پرداخته است. (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۶)

در ذیل ابتدا به دسته‌بندی نامه‌ها پرداخته و سپس فهرست موضوعات مطرح شده در آنها را بیان خواهیم کرد. در راستای تحلیل محتوای کمی، این مکاتبات را می‌توان بر مبنای دو ملاک مختلف تقسیم‌بندی نمود؛ بر مبنای گیرنده نامه و بر مبنای علت نگارش آن. در تقسیم‌بندی نامه‌ها بر مبنای گیرنده نامه، دو تفکیک صورت گرفته است: گیرندگان خاص و گیرندگان عام. منظور از گیرندگان خاص، مکاتباتی هستند که برای فرد خاص و مشخصی ارسال شده و در متن نامه و یا اسناد تاریخی اسم آن فرد ثبت شده است. از مجموع ۱۶۰ نامه جمع‌آوری شده از منابع تاریخی، تعداد ۷۷ نفر به عنوان گیرندگان خاص نامه که نام آنها درج شده است، احصاء شده‌اند.

منظور از گیرندگان عام نیز، مکاتباتی هستند که برای اقوام، اهالی یک شهر، افراد یک گروه خاص و یا افراد نامشخص نگاشته شده‌اند. در میان مکاتبات امام، ۱۷ گروه گیرنده عام وجود دارد که به علت عمومیت لفظ نام آنها، ناشناس می‌باشند. این گروه عبارتند از: اهل جبل، اهل قم (۲ نامه)، اهل مدائن (۲ نامه)، اهل سواد (۲ نامه)، رجل (۳ نامه)، بعض اصحابه (۴ نامه)، بعض شیعتی، بعض موالیه، قوامه بالعراق، فی الإجراء علی الجنید، فی خروجه علیه السلام من الحبس، فی التوجه إلى القبلة، فی الحلال و الحرام، فی ذم الزبیری (۳ نامه)، فی عظمة الأئمة و جلالتهم (۲ نامه)، فی کیفیت دخول المسجد، فی المسمی به کتاب عمل. در مجموع باید گفت که تعداد ۱۳۱ نامه برای افراد خاص و تعداد ۲۹ نامه نیز برای گیرندگان عام نگاشته شده‌اند که نمودار کوچکی آن به صورت ذیل می‌باشد. لازم به تذکر است که همه اعداد استخراج شده از جدول به درصد تبدیل شده و به صورت درصدی در نمودارها درج شده‌اند.

نمودار ۱: تفکیک مکاتبات بر مبنای گیرندگان



در عین حال مکاتبات امام حسن عسکری علیه السلام را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان تقسیم نمود و آن بر مبنای علت نگارش آنها می‌باشد. از این منظر مکاتبات به دو دسته تقسیم می‌گردند: دسته‌ای از نامه‌ها (٪۸۲) ابتدا به ساکن از سوی امام صادر شده‌اند و ایشان قصد داشته‌اند تا موضوعی را به فرد یا افرادی اطلاع دهند و دسته‌ای دیگر از نامه‌ها (٪۱۸) در پاسخ به سؤالات و درخواست‌های مردم نگاشته شده‌اند. در این بخش به منظور تفکیک بهتر جهت تحلیل محتوای مضامین این نامه‌ها، خصوصاً نامه‌های دسته اول - که به نظر می‌رسد اهمیت والایی نیز داشته باشند - یک نام‌گذاری قراردادی صورت گرفته و نامه‌های دسته اول، تحت عنوان «توقیع» شناخته می‌شوند. لازم به ذکر است که در کتب حدیثی و روایی مذهب امامیه، چنین تقسیم‌بندی در خصوص مکاتبات اعمال نشده و همچنین بین لفظ «توقیع» و «مکاتبه» نیز تفاوتی لحاظ نشده است و اصطلاحی که اینجا توسط نویسنده مقاله در نظر گرفته شده، تنها برای تقریب به ذهن و دسته‌بندی بهتر کلیه نامه‌ها جهت بررسی دقیق و تحلیل محتوای آنها بوده و به هیچ عنوان داعیه‌دار جعل اصطلاحی خاص در این زمینه را ندارد.

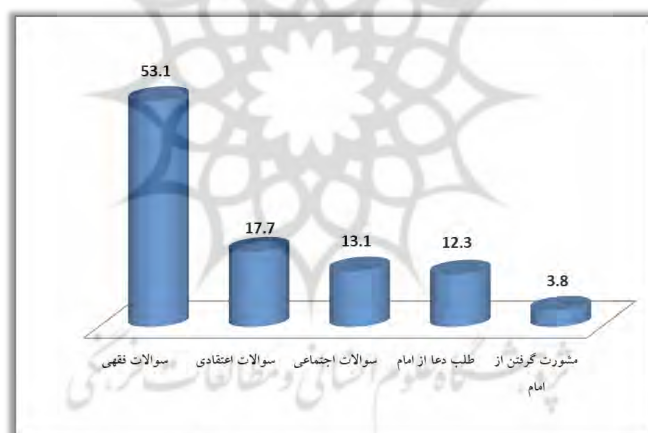
شناسایی موضوعات اصلی مکاتبات

منظور از سنجش فراوانی موضوعات، سنجش عناوین کلیدی و کلی است که عبارات و مضامین مختلف متن، به دنبال بیان شرحی در رابطه با آن عنوان می‌باشند. این موضوعات کلی بوده و چارچوب اصلی متن را تشکیل می‌دهند و با نگاهی اجمالی به فهرست آنها و بررسی میزان فراوانی هر کدام می‌توان به سهولت تشخیص داد که متن مورد مطالعه در چه حوزه‌ای

بوده و در رابطه با چه مواردی سخن گفته است. از دیگر کاربردهای سنجش فراوانی موضوعات، آشنایی با اندیشه‌ها و افکار مؤلف متن است. در موارد متعددی ممکن است یک متن با عنوانی خاص مشهور شود، لکن پس از بررسی فراوانی موضوعات آن متن می‌توان به این نتیجه دست یافت که شایسته است متن مورد مطالعه دارای عنوانی دیگر باشد چرا که فراوانی آن موضوع بیشتر بوده و بیانگر دغدغه مؤلف در رابطه با آن موضوع است.

لازم به ذکر است که ملاک سنجش در این بخش و نمودار ذیل، تنها شامل ۸۲٪ از مکاتبات امام می‌باشد، که حدود ۱۳۱ نامه را شامل می‌شود. لذا در این بخش، تنها نمودار سنجش فراوانی موضوعات نامه‌هایی درج شده که امام در پاسخ به سؤالات مختلف مردم بیان فرموده‌اند و نمودار سنجش فراوانی موضوعات توقیعات امام در بخش خاص خود خواهد آمد. در ذیل نمودار سنجش فراوانی نوع سؤالاتی که از امام شده به همراه درصد هر کدام درج شده است:

نمودار ۲: سنجش فراوانی موضوعات اصلی مکاتبات



در بخش دوم یا تحلیل محتوای کیفی مکاتبات تلاش برای این است تا با درج نمودار کمی موضوعات فرعی نامه‌ها، اولاً هر کدام از این موضوعات به دقت مورد بررسی قرار گرفته و ثانیاً با ذکر مثال‌هایی در هر بخش، به برخی از این مکاتبات جهت اطلاع خواننده گرامی از چگونگی استخراج موضوعات اصلی و فرعی، اشاره گردد.

تحلیل محتوای کیفی مکاتبات

منظور از تحلیل محتوای کیفی، تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن از

طریق کدگذاری‌های طبقه‌بندی شده به صورت سیستماتیک می‌باشد که به دنبال مشخص ساختن الگوهایی است که در نهایت از مفاهیم ساخته می‌شوند. به عبارت دیگر تحلیل‌های کیفی، به مثابه تکنیکی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده اتخاذ می‌شوند که در نهایت منجر به نظریه پردازی می‌گردند. (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۴) در این قسمت با توجه به موضوع اصلی مقاله قصد آن داریم تا به بررسی تک‌تک موضوعات مطرح شده در مکاتبات امام حسن عسکری علیه السلام پرداخته و جایگاه آنها در بحث زمینه‌سازی غیبت را تبیین کنیم. چنان‌که پیشتر در بخش تحلیل محتوای کمی نیز گفته شد، تحلیل‌های کمی راه را برای ورود به تحلیل‌های کیفی هموار می‌سازند. بنابراین در این بخش به صورت جزئی و اختصاصی به هر کدام از موضوعات پنج‌گانه‌ای که توسط مردم از امام حسن عسکری علیه السلام پرسش شده، اشاره خواهد شد.

موضوعات فقهی

از میان سؤالاتی که از امام حسن عسکری علیه السلام در خصوص موضوعات مختلف پرسیده شده است، بالاترین فراوانی یعنی در حدود ۶۹ سؤال، به سؤالات فقهی اختصاص دارد که معادل ۵۳.۱٪ کل مکاتبات است. این اطلاعات نشان می‌دهد، این‌گونه سؤالات برای مردم جامعه آن زمان اهمیت فراوانی داشته و امام نیز به تفصیل بدان‌ها پاسخ داده‌اند. در این نامه‌ها مواردی مانند: حج، روزه، احکام فرزندان، احکام میت (دفن و قضاء نماز وی)، دیون، قسم دروغ، شهادت دادن، وقف، ضمانت، وکالت امام و احکام کلی حلال و حرام الهی مطرح شده است. همچنین منظور از طهارت مواردی مانند: غسل، وضو، احکام آب‌ها و موارد مشابه را شامل می‌گردد.

در این بخش از مکاتبات فراوانی موضوع معاملات و تجارت و همچنین موضوعات متفرقه - به علت پرداختن موردی به هر کدام از جانب امام - بیشتر از دیگر موضوعات است و می‌توان از این نمودار این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که بیشترین موضوعات مورد پرسش جامعه عصر امام حسن عسکری علیه السلام موضوعات اقتصادی و عبادی - فردی یا عبادی - اجتماعی بوده است. منظور از موضوعات عبادی - فردی، موضوعاتی است که به مسائل فردی عبادت اشاره دارند مانند نماز، وصیت پدران برای فرزندان و طهارت. و منظور از موضوعات عبادی - اجتماعی نیز موضوعاتی است که افراد در سطح جامعه با آنها مواجه بوده و به نوعی حیات اجتماعی جامعه بدان‌ها بستگی دارد مانند احکام ازدواج و طلاق که از جمله اجتماعی‌ترین احکام دین مبین

اسلام است.

نکته قابل توجه در مورد سؤالاتی که در خصوص احکام فقهی از امام پرسش شده است، شخص نویسنده نامه و پرسش‌کننده است. از مجموع ۶۹ نامه در این خصوص، ۳۲ نامه توسط «محمد بن الحسن الصفار» برای امام ارسال شده و نامه‌های دیگر توسط دیگران ارسال شده‌اند. این مطلب علاوه بر این که اعتبار وجود فردی به نام «محمد بن الحسن الصفار» به عنوان یکی از وکلاء خاص امام را در کتب تاریخی اثبات می‌کند، حوزه‌های فعالیت هر کدام از وکلاء را نیز بیان می‌دارد. همچنین از «ابراهیم بن مهزیار» و «علی بن مهزیار» نامه‌های متعددی تنها در خصوص سؤالات فقهی در منابع تاریخی نقل شده است که حوزه فعالیت این دو نفر را نشان می‌دهد. به عنوان مثال ابراهیم بن مهزیار در خصوص نماز خواندن در لباس قرمز رنگ از امام پرسش کرده است: كَتَبَ اِبْرَاهِيْمُ بِنُ مَهْزِيَارٍ اِلَى اَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْأَلُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْقَزْمِزِ فَإِنَّ أَصْحَابَنَا يَتَوَقَّفُونَ عَنِ الصَّلَاةِ فِيهِ. امام نیز در پاسخ او فرموده‌اند: «فَكَتَبَ لَا بَأْسَ مُطْلَقٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ». (طوسی، ۱۳۶۵ ش: ج ۲، ۳۶۳)

موضوعات اعتقادی و مسئله غیبت

پس از سؤالات فقهی، از جمله مهم‌ترین پرسش‌هایی که از امام پرسیده شده است، سؤالات اعتقادی است. نکته قابل توجه در بخش موضوعات اعتقادی، اشاره‌های تلویحی به مسئله غیبت است که در ادامه موارد آن بیان خواهد شد. در ذیل ابتدا نمودار سنجش فراوانی نوع سؤالات اعتقادی که از امام پرسیده شده است را درج کرده و سپس در ذیل آن توضیحات کافی بیان خواهد شد.

نمودار ۳: سنجش فراوانی موضوعات اعتقادی مکاتبات



نمودار فوق به وضوح نشان دهنده آن است که طرح سؤالاتی از امام جهت اثبات امامت ایشان، مهم‌ترین دغدغه‌ای بوده است که مردم آن جامعه داشته‌اند. این مطلب با توجه به تلاش فتنه انگیزان و منحرفان برای فریب مردم و ایجاد فرقه‌های متعدد در عصر اهل بیت علیهم‌السلام و به انحراف کشاندن مسئله قیام و ظهور آخرین امام شیعیان، به خوبی تأیید می‌گردد. طرح سؤالات بسیار سخت و مشکل، پرسش از فلسفه احکام دین و یا مفهوم واقعی آیات قرآن و احادیث خاص ائمه اطهار علیهم‌السلام که عمدتاً در رابطه با مسئله قیام آخرین امام شیعیان برای نجات مسلمانان بوده و نیز طلب برهان برای اثبات امامت امام و ارتباط آن حضرت علیهم‌السلام با شخص حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکرب، از جمله مسائل و پرسش‌هایی بوده است که پس از زمان امام موسی کاظم علیهم‌السلام و امام رضا علیهم‌السلام در میان شیعیان رواج یافته و به عنوان یکی از معتبرترین راه‌های تشخیص اثبات امامت یک امام، محسوب می‌شده است. (معارف، ۱۳۷۶: ۳۴۳-۳۳۹)

نکته قابل توجه در این بخش و دیگر مکاتبات آن است که امام حسن عسکری علیهم‌السلام در پاسخ به پرسش افراد، به گونه‌ای عمل می‌کرده‌اند که علاوه بر پاسخگویی علمی و دقیق به آن فرد، از علم غیب خود نیز استفاده کرده و مطالبی را به عنوان ضمیمه پاسخ، بیان نموده‌اند تا افراد با مطالعه آن بخش خاص نامه متوجه شوند که فرستنده نامه، عالم به همه احوال درونی و باطنی ایشان بوده و از همه اسرار آگاه است. این مطلب به وضوح بیانگر تلاش امام حسن عسکری علیهم‌السلام برای اثبات امامت خود و تبیین جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در جامعه اسلامی است و در بیشتر نامه‌ها، نشانه‌هایی از آن مشاهده می‌شود. به عنوان مثال «حسن بن ظریف» می‌گوید:

دو مسئله به قلب من خطور کرد و خواستم برای پاسخ نام‌های به امام عسکری علیهم‌السلام بنویسم، آن‌گاه نامه نوشتم و از یکی از آن دو مسئله پرسش کرده و دیگری را فراموش نمودم. جواب نامه‌ام که آمد، نوشته بود: «... سَأَلْتَ عَنِ الْقَائِمِ فَإِذَا قَامَ قَضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ علیهم‌السلام لَا يَسْأَلُ الْبَيْتَةَ وَ كُنْتَ أَرَدْتَ أَنْ تَسْأَلَ لِحَمَى الرَّبِّعِ فَأَنْسِيَتْ فَأَكْتُبُ فِي وَرْقَةٍ وَ عَلَّقَهُ عَلَى الْمَحْمُومِ فَإِنَّهُ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ، فَعَلَّقْنَا عَلَيْهِ مَا ذَكَرَ أَبُو مُحَمَّدٍ علیهم‌السلام فَأَفَاقَ»؛ از امام قائم پرسیدی؟ چون او قیام کند، به علم خود میان مردم داوری کند مانند داوری‌های حضرت داوود علیهم‌السلام، و گواه نخواهد، و می‌خواستی از علاج تب بپرسی و فراموش کردی. برای معالجه آن این آیه را در ورقه‌ای بنویس و به کسی که تب دارد، آویزان کن: «یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم» من آن آیه را نوشتم و به او آویزان

کردم و بهبود یافت». (کلینی، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۵۰۹)

همچنین لازم به ذکر است که در زمینه مواجهه با فرقه‌های مختلف و افکار انحرافی پیرامون مسئله ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به عنوان قائم اهل بیت علیهم السلام نیز رفتار کلی امام حسن عسکری علیه السلام، برائت از شبهه‌افکنان و تأویل‌کنندگان در دین و منحرفان بوده است. این رفتار کلی را می‌توان در خصوص پاسخ‌هایی که امام به نامه‌هایی که در آنها مردم از برخی مدعیان دروغین و کذابان مهدویت شکایت کرده و یا در خصوص رفتار آنها از امام سؤال نموده‌اند، مشاهده نمود. به عنوان مثال در مواردی مشاهده می‌شود که برخی افراد در تفسیر احادیث یا آیات قرآن مطالبی گفته و یا اقداماتی بر مبنایی غیر از مبنای شرع انجام داده و لذا مردم را در امر دین، دچار شبهه و سؤال نموده‌اند. در این میان برخی افراد که امکان نگارش نامه برای امام داشته، دست به قلم شده و نامه‌ای برای امام نوشته و شرح ماوقع را بیان کرده‌اند و امام نیز در پاسخ، پس از برائت از این شبهه‌افکنان و تأویل‌کنندگان در دین، به بیان ویژگی‌های امام بر حق و تفسیر حقیقی آیات قرآن و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته و مطالبی را در این خصوص بیان کرده‌اند که خود تلاشی دیگر برای اثبات امامت ایشان و افزایش بصیرت و آگاهی مردم است. به عنوان نمونه از «احمد بن محمد بن عیسی» نقل شده است که نامه‌ای برای امام نوشته و در آن، از کسانی که آیات قرآن و احادیث را بر مبنای نظرات خود تفسیر کرده و مدعی مهدویت شده یا ظهور امام دوازدهم را تکذیب کرده‌اند، شکایت کرده و طلب تعیین تکلیف کرده است. امام در پاسخ وی تنها می‌فرمایند: «لَيْسَ هَذَا دِينَنَا فَأَعْتَزِلْهُ» (کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۱۶) و با همین بیان کوتاه، برائت خود از شبهه‌افکنان و تأویل‌کنندگان در دین و منحرفان را بیان می‌دارند.

موضوعات اجتماعی و مسئله غیبت

از جمله دیگر سؤالاتی که از امام حسن عسکری علیه السلام پرسیده شده است، سؤالات اجتماعی است. ملاک تقسیم‌بندی این بخش از مکاتبات به موضوعات اجتماعی آن است که افراد در این نامه‌ها، از وضعیت جامعه اسلامی و برخی امور اجتماعی پرسش نموده و به نوعی با طرح سؤالات کلی و عمومی که برای بیشتر افراد جامعه مطرح بوده است، از امام تقاضای پاسخ‌های کلی و فتوا در خصوص مسائل اجتماعی نموده‌اند. در این بخش نیز مشاهده می‌شود که مسئله زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و نشانه‌های آن، از جمله موضوعاتی بوده است که به صورت تلویحی در بخش مضامین فرعی نامه‌ها بدان اشاره شده است. تحلیل کیفی مکاتبات این

بخش نشان می‌دهد که مهم‌ترین تلاش امام در این دسته از مکاتبات، امید دادن به شیعیان برای اصلاح وضعیت نابه‌سامان جامعه با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام و انقلاب ایشان می‌باشد. از آن‌جا که یکی از وظایف امام در هر زمانی، هدایت جامعه به سوی خیر و صلاح است، امام حسن عسکری علیه السلام نیز در بخشی از مکاتبات خود تلاش نموده‌اند تا علاوه بر پاسخگویی به سؤالات اجتماعی مردم، به نوعی آنان را به بهبود شرایط جامعه امیدوار کرده و آنان را برای تحمل سختی‌های پیش رو آماده و تهییج نمایند. این مطلب آن‌چنان حرفه‌ای و دقیق در پاسخ‌های امام گنجانده شده است که تنها با یک دسته‌بندی کلی و تحلیل محتوای مضمونی نامه‌ها و بررسی چندباره آنها می‌توان آن را کشف نمود.

نکته دیگر در این بخش، تلاش امام برای پاسخ به سؤالاتی است که آن فرد یا افراد نزدیک به او از امام داشته‌اند اما به دلایلی در نامه خود ننوشته و تنها در ذهن خود آن را طرح نموده‌اند. امام حسن عسکری علیه السلام در این گونه موارد نیز پس از پاسخگویی به سؤالات ظاهری افراد، به آن سؤال ذهنی و طرح نشده نیز پاسخ داده و بدین وسیله تلاش دیگری برای اثبات امامت و حقانیت خود نموده‌اند. (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ج ۱، ۵۰۹) در این بخش، آنچه بسیار مهم و قابل توجه است، تلاش امام برای به کارگیری علم غیب خود جهت اثبات امامت و حقانیت خود و فرزندشان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد که تنها پس از یک دسته‌بندی کلی و احصاء جمیع نامه‌ها می‌توان متوجه آن شد و گرنه با مشاهده هر نامه ممکن است ذهن انسان به سمت آن موضوع خاص معطوف شده و از درک کلیت موضوعاتی که در این زمینه بیان شده‌اند، غافل شود.

به عنوان نمونه «ابوالهیثم بن سیابه» نقل می‌کند که به هنگام مسافرت معتز به کوفه و فرمان او برای دستگیری و زندانی کردن وی، نامه‌ای به امام حسن عسکری علیه السلام نوشته و از مشکلات و گرفتاری‌های پیش آمده شکایت می‌کند. آن حضرت در پاسخ می‌نویسد که بعد از سه روز معتز از دنیا خواهد رفت و مشکل تو برطرف می‌شود:

أَخْبَرَنِي أَبُو الْهَيْثَمِ بْنُ سِيَابَةَ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ لَنَا أَمْرًا الْمُعْتَزُ يَدْفَعُهُ إِلَيَّ سَعِيدِ الْحَاجِبِ عِنْدَ مُضِيهِ إِلَى الْكُوفَةِ وَأَنْ يَحْدِثَ فِيهِ مَا يَحْدِثُ بِهِ النَّاسُ بِقَصْرَائِنِ هُبَيْرَةَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ بَلَّغْنَا خَبْرًا قَدْ أَفْلَقْنَا وَابْلَغْنَا مَتَا. فَكَتَبَ علیه السلام إِلَيْهِ بَعْدَ ثَلَاثِ يَأْتِيكُمْ الْفَرَجُ فَخَلِّعِ الْمُعْتَزُ الْيَوْمَ الثَّلَاثَ. (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۲۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۵۰، ۲۵۱)

در نامه‌ای دیگر سفیان بن محمد ضبعی گوید که به امام حسن عسکری علیه السلام نوشتیم که

منظور از عبارت «وليجه» در آیه شریفه ﴿وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً﴾ (توبه: ۱۶) چیست و بدون آن که در نامه چیز دیگری بنویسم، پیش خود فکر می‌کردم که مقصود از مؤمنین در این آیه چه کسانی هستند؟. هنگامی که جواب نامه آمد، حضرت نوشته بودند:

الْوَلِيَجَةُ الَّذِي يَقَامُ دُونَ وَلِي الْأَمْرِ، وَحَدَّثَكَ نَفْسَكَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ هُمْ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ؟ فَهُمُ الْأَيْمَةُ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ عَلَى اللَّهِ، فَيَجِزُ أَمَانَتُهُمْ؛ (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۵۰۸؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ج ۷، ۵۴۷)

وليجه کسی است غیر از امام به حق که به جای او منصوب می‌شود و در خاطرت گذشت که منظور از مؤمنین در این آیه چه کسانی هستند. پس بدان که ایشان ائمه بر حق هستند که از خدا برای مردم امان می‌گیرند و خدا هم امان آنها را اجازه می‌کند.

طلب دعا از امام و مسئله غیبت

دسته دیگری از مکاتبات امام حسن عسکری علیه السلام، نامه‌هایی است که از ایشان طلب دعا و فرج جهت گشایش امور فردی و اجتماعی در زندگی را داشته و از امام درخواست نموده‌اند تا آنان را مشمول رحمت خاصه خود قرار دهند. موضوعات خاص این مکاتبات - که حدود ۱۲.۳٪ از کل آنها را شامل می‌شود - عبارتند از: طلب دعا برای بهتر شدن وضعیت مالی زندگی، صاحب فرزند شدن، ازدواج کردن، بازگشت اموال قرض داده شده، طلب باران، فزونی محصولات کشاورزی و ...

در این میان، تحلیل پاسخی که امام به این نامه‌ها داشته‌اند بسیار قابل توجه است. از مجموع این مکاتبات و درخواست‌ها، امام تنها در یک مورد - درخواست آموزش دعا - به بیان دعایی خاص پرداخته‌اند که نشان می‌دهد هدف ایشان از این امر، نوعی آموزش دعا به همگان در خصوص مطلب مطرح شده باشد. اما در دیگر موارد آنچه عمومیت و غلبه داشته، بیان پاسخ فرد بر مبنای به کارگیری قدرت علم غیب مخصوص امام و طرح بحث از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان منجی و شخص موعود است. در این موارد، امام بر مبنای علم غیب خود به گونه‌ای پاسخ افراد را داده‌اند که هم آن فرد در ذهن خود انتظار چنین پاسخی را داشته و هم این که حقایق امام و فرزند بزرگوارشان و ظهور آن حضرت پس از غیبت، اثبات و تأیید شده است.

البته در همان مورد خاص که فردی از امام طلب آموزش دعا نموده است، نیز مشاهده می‌شود که امام در نامه‌ای دیگر از قدرت علم غیب خود استفاده کرده و به سؤال ذهنی وی که

مطرح نکرده است، پاسخ داده و در نهایت به صورت تلویحی، مسئله ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الکریم مطرح شده است. به عنوان نمونه ابوهاشم نقل می کند که پس از درخواست آموزش دعا و دریافت پاسخ امام، در انتهای دعا عبارت «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي حِزْبِكَ وَفِي زُمْرَتِكَ» را از جانب خود اضافه نموده و تنها این مطلب را در ذهن خود داشته تا این که مجدداً نامه ای از امام به دست او می رسد و بیان می دارد که:

أَنْتَ فِي حِزْبِهِ وَفِي زُمْرَتِهِ إِذْ كُنْتَ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا وَلِرَسُولِهِ مُصَدِّقًا وَلِأَوْلِيَائِهِ عَارِفًا وَهُمْ تَابِعًا... (اریلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۲۱)

تو خود به خود در حزب و زمره آنها خواهی بود در صورتی که به خداوند ایمان داشته باشی و رسول او را تصدیق نمائی و عارف به حق اولیای الهی گردی و از آنان اطاعت کنی....

این مطلب، یعنی استفاده از قدرت علم غیب، در دیگر پاسخ های امام نیز مشهود است. به عنوان مثال، داود بن القاسم الجعفری نامه ای به امام حسن عسکری علیه السلام می نویسد و از سختی زندان و شکنجه مأموران شکایت می کند و از امام طلب دعا برای آزادی می نماید. امام در پاسخ وی می نویسد: «أَنْتَ تُصَلِّيَ الْبُيُومَ الظُّهْرَ فِي مَنْزِلِكَ»؛ نماز ظهر امروز را در منزلت خواهی خواند. وی در ادامه اعلام می دارد که در هنگام ظهر مأموران زندان او را آزاد نموده و نماز ظهر را در منزل خود می خواند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۳۲) همچنین از آن جا که وی مردی تنگدست بوده و در نامه خود از امام حیا کرده و راجع به این مطلب چیزی نگفته است، هنگامی که از زندان آزاد و وارد منزل خود شده، صد دینار از طرف امام برای وی همراه با نامه ای بدین مضمون ارسال شده است:

إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَلَا تَسْتَحْيَ وَلَا تَحْتَشِمُ وَاطْلُبْهَا فَإِنَّكَ تَرَى مَا تُحِبُّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۳۰)

هرگاه حاجتی داشتی شرم و ملاحظه نکن، و آن را بخواه که آنچه خواهی به تو خواهد رسید ان شاء الله.

این موارد نشان دهنده آن است که امام حسن عسکری علیه السلام در عین حال که خود در وضعیت سخت و تحت فشاری قرار داشته اند، اما به حال تک تک شیعیان خود نظر داشته و با اطلاع غیبی از احوال ایشان، به ایشان کمک می کرده اند.

طلب مشورت از امام و مسئله غیبت

این بخش از مکاتبات، هر چند تعداد چهار نامه را بیشتر به خود اختصاص نداده است، اما از

این رو که برخی افراد خاص در نظر داشته‌اند که امام حسن عسکری علیه السلام را از تصمیمات خود مطلع نموده و از ایشان جهت انجام یا عدم انجام آن اجازه بگیرند، لذا از محتوای مهمی برخوردار بوده و لذا در یک دسته بندی مجزا قرار گرفته‌اند. این مطلب از جمله اموری است که از صدر اسلام و در زمان ائمه اطهار علیهم السلام بیشتر به صورت شفاهی رواج داشته و در منابع روایی، موارد متعددی را می‌توان از این‌گونه پرسش‌ها مشاهده نمود. (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ ش: ج ۲، ۶۶۸) لکن در عصر امام حسن عسکری علیه السلام به دلیل وضعیت خاص ایشان و محصور بودن در خانه، تنها راه ارتباطی مفید و مؤثر بین شیعیان و امام، مکاتبه و نگارش نامه بوده است و به همین دلیل مشاهده می‌کنیم که برخی از شیعیان بر مبنای همان عادت نیکو در اجازه گرفتن از امام برای امور روزمره خود، نامه‌ای برای ایشان نگاشته و از ایشان طلب مشورت نموده‌اند. نامه‌هایی که در این بخش احصاء شده‌اند، یک مورد در خصوص رفتن به زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌باشد که امام در پاسخ، عمل وی را بسیار نیکو و شایسته شمرده و در ادامه چگونگی زیارت کردن و متن زیارت نامه آن حضرت را نیز بیان فرموده‌اند. (ابن طاووس، ۱۳۶۷ ش: ۵۷۳) این مطلب نشان می‌دهد که آن امام همام به چه میزان نسبت به زیارت جد بزرگوارشان اباعبدالله الحسین علیه السلام و تشویق شیعیان بدین امر، اهتمام داشته‌اند. مورد دیگر در خصوص اجازه برای قیام کردن و جنگیدن در کنار یحیی بن محمد است که امام در پاسخ، وی را از مرگ یحیی بن محمد و بی‌فایده بودن چنین قیامی خبر داده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق: ج ۴، ۴۲۹) دو مورد دیگر نیز در خصوص مشورت برای ازدواج با یک کنیز و نام‌گذاری فرزند تازه متولد شده (ابن طاووس، بی‌تا: ۲۳۷) می‌باشد که در این دو نامه نیز امام با استفاده از علم غیب خود، به گونه‌ای پاسخ آن افراد را داده‌اند که می‌توان این نامه‌ها را نیز به عنوان ادله‌ای بر اثبات امامت آن حضرت در نظر گرفت.

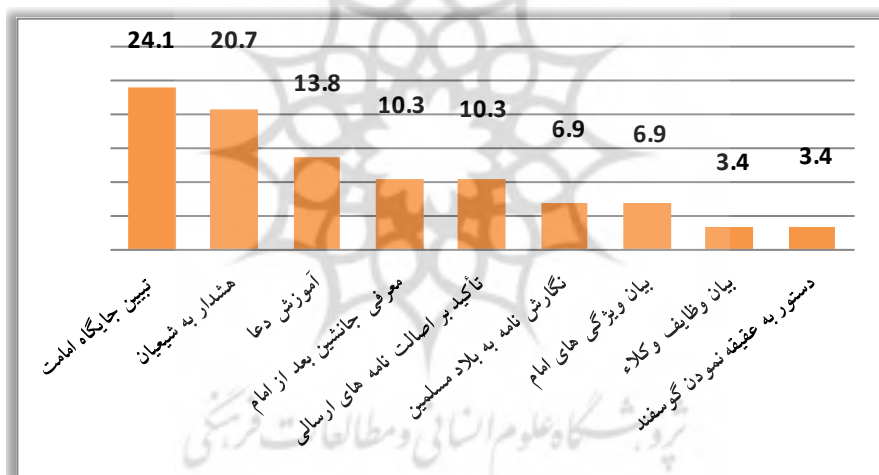
نکته مهم در این بخش، توجه به این مطلب است که مکاتبه این افراد با امام، نه به خاطر طرح سؤال یا طلب دعا برای رفع مشکل بوده، بلکه این افراد به دلیل شناخت و معرفتی که از جایگاه امام در جامعه اسلامی داشته‌اند و ایشان را عالم به همه احوال و امور فردی و اجتماعی می‌دانسته، بر خود لازم می‌دانستند که تمامی امور را اعم از کوچک و بزرگ بر مبنای نظر و رضایت ایشان انجام دهند. البته در آن زمان امام حسن عسکری علیه السلام و کلائی نیز جهت ارتباط بهتر مردم با ایشان، تعیین نموده بودند که به نظر می‌رسد بیشتر مکاتبات و طلب مشورت‌ها با این افراد بوده است، اما در مواردی نیز برای شخص امام نامه‌هایی ارسال شده و پرسش افراد مستقیماً به امام ارجاع داده شده است.

اشاره به مسئله غیبت و تولد حضرت حجت در توقیع‌ها

پیشتر در بخش تحلیل محتوای کتبی مکاتبات امام حسن عسکری علیه السلام و تقسیم‌بندی آنها گذشت که یکی از ملاک‌های تقسیم‌بندی مکاتبات، بر مبنای علت نگارش نامه است. از این رو کلیه مکاتبات امام را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی نمود: مکاتباتی که در پاسخ به سؤالات افراد بیان شده است و مکاتباتی که امام ابتدا به ساکن، به نگارش آنها پرداخته و مطالبی را بیان نموده‌اند. این بخش از نامه‌ها در حدود ۱۸٪ یعنی ۲۹ عدد نامه را شامل می‌شود که در این بخش قصد داریم به تحلیل و بررسی آنها بپردازیم.

در میان مکاتباتی که امام حسن عسکری علیه السلام ابتدا به ساکن به نگارش آنها پرداخته و مطالبی را به شیعیان انتقال داده‌اند، با موضوعات متنوعی مواجه می‌شویم که در نمودار سنجش فراوانی آنها قابل مشاهده است:

نمودار ۴: سنجش فراوانی موضوعات توقیعات امام



بیشترین فراوانی این دسته از نامه‌نگاری‌ها، مربوط به نامه‌هایی است که امام عسکری علیه السلام قصد داشته‌اند تا به واسطه آن، جایگاه امامت در جامعه اسلامی را تبیین نموده و مردم را در این خصوص آگاه نمایند. به عنوان مثال توقیعی از ایشان نقل شده است که بدین شرح می‌باشد:

...فِيْنَا النُّبُوَّةَ وَالْوَلَايَةَ وَالْكَرَّمَ وَالْحَنُّ مَنَّا زُهِدِي وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى وَالْأَنْبِيَاءَ كَانُوا يَفْتَبِسُونَ
 مِنْ أَنْوَارِنَا وَيَقْتَفُونَ آثَارِنَا وَسَيَظْهَرُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بِالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ لِإِظْهَارِ الْحَقِّ؛
 (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ۲۶۴)

... نبوت و ولایت و بزرگواری از آن ما اهل بیت علیهم السلام است. ما ستون‌های هدایت و دستگیره‌های مطمئن هستیم. پیامبران از نور ما اقتباس می‌کنند و آثار ما را پیروی می‌کنند. حجت خدا بر خلق با شمشیر کشیده شده ظاهر خواهد شد، تا حق را نمایان سازد.

مشخص است که مفهوم کلی این نامه، بیان جایگاه و اهمیت ائمه اطهار علیهم السلام در جامعه اسلامی و به‌ویژه نقش آخرین امام و حجت باقی مانده خداوند متعال بر روی زمین، یعنی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه در هدایت جامعه بشری است.

مورد مهم دیگر که در این بخش مشاهده می‌شود، مکاتباتی است که امام به منظور هشدار دادن به شیعیان نگاشته‌اند و آنان را در خصوص برخی مسائل اجتماعی و حتی عبادی و فردی انذار نموده‌اند. به راستی که می‌توان گفت یکی از وظایف خاص انبیاء و اولیاء الهی، این انذار و هشدار دادن به مردم جهت رعایت تقوا و حدود الهی است. به عنوان نمونه، توقیعی از آن حضرت برای «اسحاق بن اسماعیل» صادر شده است که بدین شرح می‌باشد:

وَ اِمُّ اللَّهِ اِنَّهَا لَعَقَبَةٌ كَتُودٌ شَدِيدٌ اَمْرُهَا صَعْبٌ مَسْلُكُهَا عَظِيمٌ بَلَاؤُهَا طَوِيلٌ عَذَابُهَا قَدِيمٌ فِي الزُّبُرِ الْاُولَى ذِكْرُهَا... وَ اَعْلَمُ يَقِينًا يَا اِسْحَاقُ اَنَّ مَنْ خَرَجَ مِنْ هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا اَعْمَى فَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ اَعْمَى وَ اَضَلُّ سَبِيلًا اِنَّهَا يَا اَبْنَ اِسْمَاعِيْلَ لَيْسَ تَعْمَى الْاَبْصَارُ وَّلٰكِنْ تَعْمَى الْقُلُوْبُ الَّتِي فِي الصُّدُوْرِ (کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۷۵)

سوگند به خدا که گردنه قیامت، گردنه‌ای است دشوار گذر، کارش سخت و راهش دشوار و گرفتاریش بزرگ باشد، که ذکر و یاد آن در نوشته‌های پیشینیان هست... ای اسحاق به یقین بدان؛ هر کس که از این جهان کور خارج شود، در آن جهان نیز کور است و گمراه‌تر، ای اسحاق منظور نه کوری چشم است بلکه کوری دل‌هایی است که در سینه‌ها قرار دارد.

نکته دیگر در این بخش، تلاش امام برای معرفی جانشین بعد از خود و معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان امام پس از خود است. این مطلب که در حقیقت یکی از مهم‌ترین پرکاربردترین موضوعات فرعی مطرح شده در تمامی مکاتبات امام است، به وضوح و حتی با تأکید بر نام مبارک ایشان مشاهده می‌شود. این مطلب زمانی اهمیت خاص خود را پیدا می‌کند که توجه داشته باشیم امام حسن عسکری علیه السلام برای ابلاغ این مطلب، از راهکارهای متعددی استفاده کرده‌اند که تعیین وکلاء، مستور بودن از انظار عمومی مردم، تلاش برای ترویج مکاتبه با امام به جای مشاهده حضوری و نگارش نامه به بلاد مسلمین، تنها نمونه‌هایی از این شیوه‌ها و راهکارها می‌باشند.

به عنوان نمونه حسن بن اسحاق قمی نقل می‌کند هنگامی که خلف صالح متولد شد، از

مولایم امام حسن عسکری علیه السلام به جدم احمد بن اسحاق نامه‌ای رسید و به خط خود که توقعیات با آن صادر می‌شد، در آن نوشته بود که برای ما فرزندی متولد شده. نزد تو مستور بماند و از همه مردم پنهان باشد؛ زیرا ما از آن مطلع نکنیم مگر خویشان محرم یا دوستان صمیمی. شما را بدان اعلام کردیم تا خدا تو را بدان شاد کند، چنان چه ما را بدان شاد کرد:

أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ إِسْحَاقَ الْقُمِيِّ قَالَ: لَمَّا وُلِدَ الْخَلْفُ الصَّالِحُ علیه السلام وَرَدَ عَن مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام إِلَى جَدِّي أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ كِتَابٌ فَإِذَا فِيهِ مَكْتُوبٌ بِحِطِّ يَدِهِ الَّذِي كَانَ تَرَدُّ بِهِ التَّوْقِيَعَاتُ عَلَيْهِ وَفِيهِ وُلِدَ لَنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا وَعَنْ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا فَإِنَّا لَمْ نُظْهِرْ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَالْوَلِيَّ لَوْلَايَتِهِ أَحْبَبْنَا إِعْلَامَكَ لَيْسَرَكَ اللَّهُ لَهُ مِثْلُ مَا سَرَّنَا بِهِ وَالسَّلَامُ. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۴؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۶۳)

در مورد دیگری از احمد ابن ابراهیم نقل شده است که حضور حکیمه خاتون، خواهر امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شده و از پشت پرده با ایشان سخن گفته و از دین وی پرسش کرده است. حکیمه در پاسخ به وی، نام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف به عنوان فرزند امام یازدهم را ذکر کرده و از نهران بودن آن حضرت براساس نامه مکتوبی که از امام حسن عسکری علیه السلام به دست شان رسیده، خبر داده است:

أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى حَكِيمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرِّضَا أُخْتُ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام فِي سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَتَمَانِينَ بِالْمَدِينَةِ فَكَلَّمْتُهَا مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ وَسَأَلْتُهَا عَنْ دِينِهَا فَسَمَّتْ لِي مَنْ تَأْتُمُ بِهِ ثُمَّ قَالَتْ فَلَانَ بْنَ الْحَسَنِ علیه السلام فَسَمَّيْتُهُ فَقُلْتُ لَهَا جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مُعَايِنَةً أَوْ خَبْرًا فَقَالَتْ خَبْرًا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام كَتَبَ بِهِ إِلَى أُمِّهِ فَقُلْتُ لَهَا فَأَيْنَ الْمَوْلُودُ فَقَالَتْ مَسْتُورٌ فَقُلْتُ فَأَلِي مَنْ تَفْرَعُ الشَّيْبَعَةَ فَقَالَتْ إِلَى الْجَدَّةِ أُمِّ أَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام فَقُلْتُ لَهَا أَفْتَدِي بِمَنْ وَصِيَّتُهُ إِلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَتْ أَفْتَدَاءَ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام أَوْصَى إِلَى أُخْتِهِ زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فِي الظَّاهِرِ وَكَانَ مَا يُجْرُجُ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ مِنْ عِلْمٍ يُنْسَبُ إِلَى زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ تَسْتَرًا عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ قَالَتْ إِنَّكُمْ قَوْمٌ أَصْحَابُ أَخْبَارٍ أَمَا رَوَيْتُمْ أَنَّ النَّاسِيعَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَقْسَمُ مِيرَاثُهُ وَهُوَ فِي الْحَيَاةِ. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۲۱)

نتیجه گیری

کلمات گهربار ائمه اطهار علیهم السلام پس از قرآن کریم، گرانقدرترین میراث دین مبین اسلام و دستورات عملی برای سعادت در هر دو جهان است. این محتوای غنی و هویت بخش قابلیت آن را دارد که در حوزه‌های مختلف علوم بشری مورد استفاده قرار گرفته و به عنوان مبنایی برای مطالعات بنیادین و کاربردی در نظر گرفته شود.

در این مقاله سعی شد برخلاف کتب تاریخی و یا شرح حال‌نگاری که تنها از کلمات ائمه اطهار علیهم السلام برای استنادات تاریخی خود استفاده می‌کنند، به تحلیل محتوای آنچه امام حسن عسکری علیه السلام در مکاتبات خود به مردم جامعه بیان فرموده‌اند، پرداخته و از خلال آن، دیدگاه‌ها و مبانی ایشان را پیرامون مسائل مهم تاریخ آن عصر به ویژه موضوع غیبت و زمینه‌سازی غیبت فرزندشان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف استخراج نماید. از آن جا که این کلمات، نوشته‌های یک فرد عادی نبوده و از امام معصوم علیه السلام صادر شده است، می‌توان از تحلیل محتوای آنها به مبانی و اصولی دست یافت که راهگشای حاکمان و حکومت اسلامی در برخورد با حوادثی مشابه باشد، چرا که کلام معصوم علیه السلام در واقع تبیین‌کننده سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تفسیر آیات قرآن کریم است.

در کتب و منابع تاریخی حدود ۱۶۰ نامه از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است که می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم نمود: الف) نامه‌هایی که پاسخ به سؤالات مردم بوده؛ ب) نامه‌هایی که امام ابتدا به ساکن نگارش آن را شروع کرده‌اند. تحلیل محتوای این مکاتبات نشان می‌دهد که:

اولاً؛ مهم‌ترین موضوعی که برای آن امام همام مطرح بوده، تبیین جایگاه امامت و ویژگی‌های امام معصوم علیه السلام در جامعه بوده است. این هدف به منظور افزایش آگاهی و بصیرت جامعه در راستای اتخاذ راه حق و پرهیز از پیروی دیگر فرق منحرف و همچنین معرفی خود و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به عنوان امام در جامعه بوده است.

ثانیاً؛ امام حسن عسکری علیه السلام این هدف را با دو شیوه پیگیری نموده‌اند: ارائه دلیل و برهان به منظور اثبات خود به عنوان امام و دیگری استفاده از قدرت علم غیب خود به اذن الهی در راستای افزایش آگاهی مردم نسبت به این موضوع که امام معصوم علیه السلام، از تمامی احوال ذهنی و قلبی افراد جامعه بشری آگاه بوده و حتی خطورات ذهنی آنان را نیز می‌داند. این راهکار به منظور تشخیص امام و اثبات امامت او در سطح عموم افراد جامعه، کاربرد داشته و از جمله ویژگی‌های خاص ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد که در مکاتبات امام بدان اشاره شده است.

ثالثاً؛ امام حسن عسکری علیه السلام در مکاتبات خود تلاش داشته‌اند تا پس از انجام وظایف خود به عنوان امام در راستای هدایت جامعه بشری، برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و غیبت ایشان نیز زمینه‌سازی‌های لازم را فراهم نمایند، لذا در این خصوص از راهکارهای متعددی استفاده کرده‌اند که عبارتند از: تعیین وکلاء، در غیبت بودن از انظار عمومی مردم، تلاش برای ترویج مکاتبه با امام به جای مشاهده حضوری و نگارش نامه به بلاد مسلمین. این موارد تنها نمونه‌هایی از این شیوه‌ها و راهکارها می‌باشند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ابی طالب*، قم: مؤسسه انتشارات علامه.
۳. ابن طاووس، سید رضی الدین (۱۳۶۷ش)، *اقبال الأعمال*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴. ابن طاووس، سید رضی الدین (۱۴۱۱ق)، *مهج الدعوات*، قم: دارالذخائر.
۵. ابن طاووس، سید رضی الدین (بی تا)، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، قم: دارالذخائر.
۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: مکتبه بنی هاشمی.
۷. امین، احمد (۲۰۱۰م)، *ضحی الاسلام*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. باردن، لورنس (۱۳۷۵ش)، *تحلیل محتوا*، ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۹. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۳ق)، *مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۱۰. جباری، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، *سازمان وکالت و نقش آن در عصرنامه*، قم: مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۱. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الاثر فی النصوص علی الإئمة الإثنی عشر*، قم: نشر بیدار.
۱۲. خزعلی، ابوالقاسم (۱۴۲۶ق)، *موسوعة الامام العسکری*، قم: مؤسسه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۳. صدر، سیدمحمد (۱۴۱۲ق)، *تاریخ الغیبه*، بیروت: دارالتعارف.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، *اعلام الوری باعلام الهدی*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۱ق)، *کتاب الغیبه للحجة*، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. عترت دوست، محمد (۱۳۹۸ش)، «روش شناسی فهم حدیث در سه گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان»، *دوفصل نامه حدیث پژوهی*، سال ۱۱، شماره ۲۱.
۱۸. قرشی، باقر شریف (۱۳۷۵ش)، *زندگانی امام حسن عسکری*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۹. قطب راوندی، هبة الله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم: مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۰. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ش)، *رجال الکشی*، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۲. کریپندورف، کلوس (۱۳۷۸ش)، *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه: هوشنگ نائینی، بی‌جا: انتشارات روش.
۲۳. کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱ش)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة اطهار علیهم السلام*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۵. معارف، مجید (۱۳۷۶ش)، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری ضریح.
۲۶. مفید، محمدبن محمدبن (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
۲۷. هولستی، آل. آر (۱۳۷۳ش)، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

